

مقاله علمی پژوهشی

تبیین جایگاه «منفعت اعتماد» در حقوق غربی و شناسایی مصادیق آن در فقه

اسماعیل نعمت‌اللهی^۱، روح‌الله رضایی^{۲*}

۱. دانشیار حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم، ایران

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۹ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳)

Specification of Reliance Interest in Western Law and Recognition of Its Instances in Feqh

Esmail Nematollahi¹, Rouhollah Rezaei^{*2}

1. Associate Professor of Law, Qom University, Qom, Iran

2. Ph.D. Student in Private Law, Qom University, Qom, Iran

(Received: 09/Sep/2020 Accepted: 24/May/2022)

چکیده

Abstract

Reliance interest is one of the triple contractual interests which can be claimed by the claimant after the defendant's breach of contract. The reliance interest occurs when the plaintiff changes his position and spends some expenditures due to the reliance on the defendant's performance of his contractual obligations but the defendant's breach causes these expenditures be wasted. The object of awarding damages in this situation is to put the injured party in as good a position as he was in before the contract was made. The injured party can claim his reliance interest instead of his expectation or restitution interests. Although the reliance interest has not expressly mentioned in Iranian law and Fiqh-e-Emamiyeh, but there are some instances that could be considered as examples of reliance interest.

Keywords: Breach of Contract, Contractual Damages, Expectation Interest, Reliance Interest, Restitution Interest.

منفعت اعتماد یکی از منافع سه‌گانه قراردادی است که می‌تواند پس از نقض قرارداد، توسط زیان‌دیده از دادگاه مطالبه شود. منفعت اعتماد هنگامی مطرح می‌شود که متعهدله پیش از نقض قرارداد به وسیله متعهد، در راستای اجرای بخش قراردادی خود و با اعتماد بر اینکه طرف مقابل تعهدات قراردادی خود را انجام خواهد داد، اقدام به صرف هزینه‌هایی کرده است که پس از نقض متعهد این هزینه‌ها بی‌ثمر مانده است. هدف از پرداخت خسارت به زیان‌دیده در چنین موقعیتی، قرار دادن وی در همان وضعیتی است که پیش از انعقاد قرارداد در آن وضعیت قرار داشته است. زیان‌دیده از نقض قرارداد می‌تواند تحت شرایطی به جای منفعت انتظار و استرداد، از باب منفعت اعتماد، خسارات وارده بر خود را از دادگاه مطالبه کند. در حقوق ایران و فقه امامیه هرچند صراحتاً به منفعت اعتماد اشاره نشده است، اما فروعاً وجود دارد که می‌توان آنها را مصادیقی از منفعت اعتماد دانست.

کلیدواژه‌ها: نقض قرارداد، خسارات قراردادی، منفعت انتظار، منفعت اعتماد، منفعت استرداد.

مقدمه

در نظام‌های حقوقی مختلف، شیوه‌های جبرانی متفاوتی از قبیل الزام به اجرای عین تعهد، اجرای مورد تعهد توسط شخص ثالث یا متعهده و به هزینه متعهد، پرداخت خسارات پولی توسط طرف ناقض و فسخ قرارداد، در واکنش به نقض قرارداد اندیشیده شده است. با این وجود، شیوه اصلی جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد در نظام‌های حقوقی متفاوت است؛ در حالی که در نظام‌های حقوق نوشته، نخستین شیوه جبرانی عبارت از الزام متعهد به انجام عین تعهد است، در نظام‌های کامن‌لائی، پرداخت خسارت پولی^۱ به زیان‌دیده، به عنوان شیوه اصلی جبران خسارت شناخته می‌شود. هولمز، حقوقدان معروف آمریکایی، معتقد است که در نظام حقوقی کامن‌لا التزام و پایبندی شخص به قرارداد، صرفاً ناشی از این مال‌اندیشی است که در صورت نقض قرارداد باید به طرف مقابل خسارت پرداخت کند. (Holmes, 1897: 457-462)

پرداخت خسارت پولی به عنوان یکی از شیوه‌های اصلی جبران، در مقررات بین‌المللی مربوط به حقوق قراردادها از جمله کنوانسیون بیع بین‌المللی، اصول یونیدوخوا و اصول اروپایی حقوق قراردادها نیز به عنوان شیوه جبرانی اصلی مورد شناسایی قرار گرفته است. (Saidov and Cunnington, 2008: 1)

به طور کلی شیوه جبرانی پرداخت خسارت، در راستای حمایت از منافع طرف زیان‌دیده از نقض قرارداد ایفای نقش می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۰۶) حقوقدانان منافع مذکور را به سه دسته: منفعت انتظار، منفعت اعتماد و منفعت استرداد تقسیم کرده‌اند (McKendrick, 2000: 396) و مبلغی را که به عنوان جبران این منافع از دست‌رفته به زیان‌دیده پرداخت می‌شود، به ترتیب خسارت انتظار، خسارت اعتماد و خسارت استرداد نامیده‌اند. (Goldberg, 1989: 75) به عبارت دیگر، پرداخت این سه نوع خسارت به زیان‌دیده به‌منظور

حمایت از منافع سه‌گانه مذکور است.

خسارت انتظار در واقع ارزش پولی انتظار متعهده نسبت به اجرای تعهد از سوی متعهد است و هدف از پرداخت آن به زیان‌دیده، قرار دادن وی در وضعیتی است که در صورت انجام تعهد از سوی متعهد در آن وضعیت قرار می‌گرفت (Treitel, 1936: 937)، اما هدف از پرداخت خسارت اعتماد به متعهده آن است که وی را در همان وضعیتی قرار دهیم که پیش از ایجاد تعهد، در آن وضعیت قرار داشته است. (Fuller and Perdue, 1936: 53) در نهایت در خسارت استرداد متعهده با اعتماد به وعده متعهد، مبالغی را به وی پرداخته است، اما متعهد از اجرای تعهد خود امتناع می‌کند و در این صورت دادگاه خواننده را مجبور می‌کند تا مبالغی را که از خواهان دریافت کرده به وی مسترد کند. بنابراین هدف از پرداخت خسارت استرداد را می‌توان جلوگیری از دارا شدن متعهد به هزینه متعهده و به عبارت فنی‌تر، جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه متعهد دانست. (Ibid: 53)

در نظام حقوق نوشته، منفعت انتظار و منفعت اعتماد به ترتیب با عنوان «منفعت مثبت»^۲ و «منفعت منفی»^۳ مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. (Hutchison, 2004: 55) تقسیم‌بندی منافع سه‌گانه قراردادی که برای نخستین بار در مقاله معروف فولر و پردو ترسیم شد، تأثیر بسزایی در نظام حقوقی ایالات متحده در حوزه حقوق خسارات برجا گذاشت (Hudec, 1982: 706)، تا آنجا که تقسیم‌بندی مذکور عیناً در ویراست دوم مجموعه حقوقی Restatement گنجانده شد.^۴ در ویراست نخست این مجموعه، منفعت اعتماد نوعی از منفعت سستی انتظار تلقی شده بود، اما در نسخه دوم منفعت اعتماد به عنوان مبنای مستقلی برای مطالبه خسارت مورد شناسایی قرار گرفت.

بحث از خسارات سه‌گانه قراردادی و به‌ویژه منفعت اعتماد، با وجود اهمیت بسزای آن، در نظام حقوقی ما کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.^۵ البته این کمبود با توجه به اینکه

۱. (Damages): باید توجه داشت که در لسان حقوقی دو اصطلاح Damage و Damages بار معنایی متفاوتی دارند (Geoffrey Samuel, Law of Obligations and Legal Remedies, p175). این واژه در شکل مفرد خود (Damage) به معنای خسارت یا زیان است، اما در شکل جمع (Damages) به مفهوم مبلغ پولی است که برای جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد یا ضمان قهری به زیان‌دیده پرداخت می‌شود. (Bryan A. Garner, Black's Law Dictionary, Ninth Edition, April 2009, Damages)

2. Positive interest

3. Negative interest

۴. بخش ۳۴۴ از این مجموعه ذیل عنوان هدف از جبران، به بیان منافع انتظار، اعتماد و استرداد پرداخته است.

۵. برای بررسی تفصیلی منفعت انتظار: ر.ک.: نعمت‌اللهی، اسماعیل. «بررسی خسارت انتظار ناشی از نقض قرارداد در کامن‌لا و حقوق ایران». پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، صص ۱۵۶-۱۲۹.

نویسندگان با بیان مثالی به تبیین این نوع منفعت پرداخته‌اند. در یک قرارداد بیع املاک، خریدار برای حصول اطمینان از مالک بودن فروشنده هزینه‌هایی را متحمل می‌شود یا با اعتماد بر تعهد فروشنده به فروش ملک مورد نظر، از سایر فرصت‌های انعقاد قرارداد صرف‌نظر می‌کند. اگر فروشنده از فروش ملک مورد نظر به خریدار امتناع کند و در واقع قرارداد را نقض نماید، دادگاه ممکن است به پرداخت هزینه‌های مذکور که از اعتماد خواهان بر تعهد خوانده ناشی شده، حکم کند تا خواهان را در موقعیت پیش از انعقاد قرارداد قرار دهد. (Fuller and Perdue, 1936: 53-45) بدین ترتیب، می‌توان گفت حمایت از منفعت اعتماد که با حکم دادگاه به پرداخت «خسارت اعتماد» جلوه‌گر می‌شود، به معنای جبران هزینه‌هایی است که زیان‌دیده با اعتقاد بر اینکه طرف دیگر به تعهدات قراردادی خود پایبند می‌ماند، متحمل شده است. (Andersen, 1994: 9)

۲. انواع منفعت اعتماد

چنانکه گذشت، هدف از پرداخت خسارت اعتماد قرار دادن زیان‌دیده در وضعیتی است که پیش از انعقاد قرارداد در آن وضعیت قرار داشته است. چنین مقصودی با جبران هزینه‌هایی که زیان‌دیده با اعتماد بر قرارداد متحمل شده، عملی می‌شود. این هزینه‌ها عمدتاً شامل هزینه‌هایی می‌شوند که برای اجرای قرارداد یا تهیه مقدمات اجرا ضروری است. به عبارت ساده‌تر، این هزینه‌ها که با عنوان «اعتماد اصلی» شناخته می‌شوند، عوضی هستند که طرف زیان‌دیده به منظور تحصیل اجرای تعهد طرف مقابل و منافع ناشی از آن می‌پردازد. (Saidov, 2008: 30) به تعبیر فولر، اعتماد اصلی عبارت است از هرگونه منفعتی که قرارداد ممکن است برای خواهان در بر داشته باشد. (Fuller and Perdue, 1936: 77)

از سوی دیگر منفعت «اعتماد فرعی» عبارت است از هزینه‌هایی که به طور معمول در راستای اجرای قرارداد ضروری نیستند و به صورت صریح یا ضمنی در قرارداد نیامده‌اند (Cooter and Eisenberg, 1985: 1465). اما زیان‌دیده برای بهره‌برداری بهتر از مورد معامله اقدام به صرف چنین هزینه‌هایی می‌کند. (Hudec, 1982: 724) این هزینه‌ها هرچند با قرارداد و تعهدات طرفین در ارتباط هستند، اما نمی‌توان گفت که هزینه‌کرد آنها برای به کمال رساندن حقوق قراردادی خواهان ضروری است. این اعتماد فرعی را نمی‌توان همانند اعتماد اصلی، عوض تعهدات قراردادی خوانده (در مفهوم وسیع آن) تلقی کرد. (Fuller

شیوه اصلی جبران در حقوق قراردادهای ما الزام به اجرای عین تعهدات قراردادی است، قابل درک می‌باشد، اما باید گفت که این تقسیم‌بندی در حقوق ما نیز قابل پذیرش است و برای تبیین بیشتر بحث شیوه جبرانی پرداخت خسارت، مفید به نظر می‌رسد. در ادامه ابتدا مفهوم و انواع منفعت اعتماد و نیز مصادیق آن تبیین می‌شود. پس از آن جایگاه منفعت اعتماد در میان سایر منافع بررسی خواهد شد. در بخش بعدی به رابطه منافع سه‌گانه و به‌ویژه رابطه منفعت اعتماد با منفعت انتظار و استرداد پرداخته می‌شود، سپس چگونگی ارزیابی خسارات قابل مطالبه از باب اعتماد مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت به جست‌وجوی ردپای منفعت اعتماد در فقه و حقوق ایران خواهیم پرداخت.

مفهوم، انواع و مصادیق منفعت اعتماد

در دنیای تجارت امروز که معامله به اعتبار، میان تجار گسترش بسیاری یافته است، عنصر اعتماد نقش مهمی در روابط معاملی ایفا می‌کند. خریدار با اعتماد بر اینکه کالای مورد نظر به موقع تهیه و برای وی ارسال خواهد شد، اقدام به خرید می‌کند و فروشنده نیز با اعتماد بر اینکه ثمن کالا در موعد مقرر به وی پرداخت خواهد شد، مبیع را تهیه و برای خریدار ارسال می‌کند. اعتماد طرفین قرارداد بر یکدیگر در انجام تعهدات قراردادی و اتخاذ اقدامات و صرف هزینه بر مبنای چنین اعتمادی و نیز حمایت دادگاه از این اعتماد، مورد توجه نویسندگان حقوقی قرار گرفته است. در ادامه به تبیین مفهوم و انواع و سپس مصادیق منفعت اعتماد قراردادی می‌پردازیم.

۱. مفهوم منفعت اعتماد

در اغلب موارد تعریف مشخصی از واژه «اعتماد» را نمی‌توان در مباحثات و نوشته‌های حقوقی یافت، بلکه صاحب‌نظران حقوقی به طور معمول به جای واژه اعتماد، اقدام به تعریف اصطلاح «منفعت اعتماد» کرده‌اند. مطابق یک تعریف منفعت اعتماد عبارت است از هزینه‌های تغییر وضعیتی که خواهان بر اساس اعتماد خود بر تعهد خوانده مبنی بر انجام مورد تعهد، متحمل شده است. (Friedman, 1981: 2) در مشهورترین مقاله‌ای که درباره منفعت اعتماد قراردادی به نگارش درآمده است،^۱

1. Fuller, L. L and William R. Perdue (1936) "The Reliance Interest in Contract Damages" 46 Yale Law Journal, pp 52-96.

تولید سریال کرده بود، محکوم کرد.^۴ هرچند خواهان این مبلغ را به دلیل اعتماد بر قرارداد با خوانده، متحمل نشده بود، اما می‌توان گفت که خواهان به سبب نقض خوانده نتوانسته بود بازیگر دیگری برای ایفای نقش بیابد و در نتیجه هزینه‌های مذکور بی‌ثمر مانده بود. دلیل قابل مطالبه بودن این هزینه‌های پیش‌قراردادی این است که این هزینه‌ها منجر به خسارتی می‌شوند که پس از نقض خوانده دیگر قابل اجتناب نیستند. (Treitel, 2003: 940)

۳. مصادیق منفعت اعتماد

این بخش به بررسی اقلامی می‌پردازد که پس از نقض قرارداد تحت عنوان منفعت اعتماد قابل مطالبه هستند. به طور کلی مصادیق منفعت اعتماد عبارت‌اند از هزینه‌های هدررفته و از دست دادن فرصت انعقاد قراردادهای مشابه.

۳-۱. هزینه‌های هدررفته

این هزینه‌ها شامل هزینه‌هایی است که زیان‌دیده در راستای اجرای بخش قراردادی خود یا آماده شدن برای اجرای قرارداد متحمل شده است. برای مثال الف به عنوان یک پیمانکار ساختمان، با ب قرارداد ساخت منعقد کرده و پیش از نقض قرارداد توسط ب، اقدام به استخدام کارگر، تهیه مصالح و اجرای بخشی از ساختمان کرده است. چنین هزینه‌هایی ناشی از اعتماد الف بر اجرای تعهدات قراردادی توسط ب بوده است، نه ناشی از نقض قرارداد، اما با نقض قرارداد توسط ب هزینه‌های مذکور بی‌نتیجه مانده است. (Hutchison, 1999: 59) هزینه‌های مذکور نه تنها شامل هزینه‌های بعد از انعقاد قرارداد می‌شود، بلکه هزینه‌هایی را نیز که خواهان پیش از انعقاد قرارداد، اما با اعتماد بر انعقاد آن متحمل شده در برمی‌گیرد. (Treitel, 2003: 940)

۳-۲. از دست دادن فرصت‌های قراردادی دیگر

هنگامی که یک طرف (خواهان) طرف دیگر (خوانده) را به منظور انعقاد قرارداد انتخاب می‌کند، در واقع از فرصت انعقاد قراردادهای مشابه با دیگران صرف‌نظر می‌کند. بنابراین، در صورتی که طرف مقابل قرارداد را نقض کند، در حقیقت شانس

and Perdue, 1936: 77) اعتماد فرعی را برای مثال می‌توان شامل هزینه‌هایی دانست که خریدار برای انجام اصلاحات ضروری بر روی کالا صرف می‌کند تا بعدها بتواند آنها را با قیمت بیشتری به فروش برساند.

تقسیم منفعت اعتماد به منفعت اعتماد «اصلی»^۱ و منفعت اعتماد «فرعی» یا «اتفاقی»^۲ از ابداعات فولر و پردو است. (Hudec, 1982: 723) تا پیش از آن، بخش ۳۳۳ از ویراست نخست مجموعه Restatement، تنها هزینه‌هایی را از باب منفعت اعتماد قابل مطالبه می‌دانست که به طور متعارفی برای اجرای قرارداد یا برای تهیه مقدمات اجرای آن ضروری باشند.^۳ این طرز تلقی، هزینه‌های سرمایه‌گذاری را که یکی از طرفین معامله با اعتماد بر تعهد طرف دیگر صرف می‌کرد، شامل نمی‌شد، مانند جایی که شخصی متعهد می‌شود در صورت قبولی فرزندش در آزمون دکترا، مغازه معینی را به وی هبه کند. فرزند با اعتماد بر تعهد پدر، اقدام به تهیه کالاهای مورد نظر برای مغازه می‌کند، اما پس از قبولی فرزند در آزمون، پدر از انجام تعهد خود امتناع می‌کند. عدم شمول این هزینه‌ها، باعث انتقاد حقوقدانان شد و در نتیجه در ویراست دوم مجموعه فوق، این‌گونه خسارات بر مبنای منفعت اعتماد متعده قابل مطالبه دانسته شدند. (Restatement (Second), § 349)

بنابراین با توجه به تقسیم‌بندی منفعت اعتماد به اصلی و فرعی باید گفت که منفعت اعتماد نه تنها شامل هزینه‌های بعد از انعقاد قرارداد می‌شود، بلکه هزینه‌هایی را نیز که زیان‌دیده پیش از انعقاد قرارداد و با اعتماد به وعده طرف ناقض متحمل شده، در برمی‌گیرد. (Samuel, 2001: 199) برای مثال در پرونده معروف *Anglia Television Ltd v Reed* (1972)، یک بازیگر تلویزیون (خوانده) قراردادی را برای ایفای نقش اصلی در یک سریال تلویزیونی با یک تهیه‌کننده (خواهان) منعقد کرد، اما از ایفای نقش در سریال مورد نظر امتناع نمود. خواهان نتوانست شخص دیگری را برای آن نقش پیدا کند و در نتیجه تولید سریال متوقف شد. دادگاه خوانده را به پرداخت ۲۷۵۰ پوند که خواهان پیش از انعقاد قرارداد صرف

1. Essential Reliance
2. Incidental Reliance
3. The amount of the plaintiff's expenditure, reasonably made in performance of the contract or in necessary preparation therefore, is included in compensatory damages.

4. <https://www.casebriefs.com/blog/law/contracts/contracts-keyed-to-calamari/enforcement-remedies/anglia-television-v-reed>.

ثالثاً خواهان می‌تواند حمایت از منفعت اعتماد خود را از دادگاه تقاضا کند. در اینجا خواهان با اعتماد به اجرایی شدن تعهدات قراردادی خوانده، اقدام به تغییر وضعیت خود کرده و در این راستا متحمل هزینه‌هایی شده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۰۶) پس از نقض قرارداد توسط متعهد، این هزینه‌ها بی‌نتیجه مانده و خوانده باید با پرداخت خسارت خواهان را در وضعیت پیش از انعقاد قرارداد قرار دهد. (Saidov, 2008: 30)

سؤال مهمی که ممکن است مطرح شود این است که زیان‌دیده از نقض قرارداد باید دعوی مطالبه خسارت را بر کدام یک از این سه معیار مبتنی کند؟ و سؤال مهم‌تر اینکه چه عواملی ممکن است باعث شود که وی یکی از این معیارها را بر دیگری ترجیح دهد؟ روشن است که مهم‌ترین عامل، میزان خسارتی است که خواهان می‌تواند از باب جبران خسارت به دست آورد، اما کدام یک از این معیارها برای زیان‌دیده سودمندتر است: معیار انتظار، معیار اعتماد یا معیار استرداد؟ با یک مثال ساده می‌توان به این پرسش پاسخ داد: فرض کنید الف قراردادی را با ب برای خرید یک دستگاه لپ‌تاپ به قیمت ۲۰ میلیون ریال منعقد می‌کند و قیمت بازاری این لپ‌تاپ نیز ۲۰ میلیون ریال است. الف مبلغ مورد توافق را به ب می‌پردازد، اما ب در مقام تسلیم مورد معامله لپ‌تاپ معیوبی را که در واقع ۱۰ میلیون ریال ارزش دارد، به الف تحویل می‌دهد. مطابق معیار انتظار که هدف از آن قراردادن زیان‌دیده در وضعیت پس از اجرای قرارداد است، اگر این قرارداد به درستی اجرا می‌شد، الف لپ‌تایی با ارزش ۲۰ میلیون ریال به دست می‌آورد، در حالی که اکنون مالک لپ‌تایی با ارزش ۱۰ میلیون ریال است. بنابراین، معیار انتظار با کسر ارزش آنچه الف به دست آورده (۱۰ میلیون ریال)، از ارزش آنچه وی انتظار دریافت آن را داشت (۲۰ میلیون ریال) ارزیابی می‌شود. بر این اساس خسارت انتظار برابر با ۱۰ میلیون ریال خواهد بود.

اما مطابق معیار اعتماد که هدف از آن قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت پیش از انعقاد قرارداد است، اگر الف اقدام به انعقاد قرارداد و اعتماد بر تعهد ب نمی‌کرد، مبلغ ۲۰ میلیون ریال را به طرف دیگر منتقل نمی‌کرد و لپ‌تایی به ارزش ۱۰ میلیون ریال را نیز به دست نمی‌آورد. بنابراین، معیار اعتماد با کسر بهای آنچه الف به دست آورده (۱۰ میلیون ریال) از مبلغی که وی پرداخته (۲۰ میلیون ریال) ارزیابی می‌شود و باز هم خسارات قابل مطالبه ۱۰ میلیون ریال خواهد بود.

در نهایت براساس معیار استرداد، منافی را که طرفین به یکدیگر منتقل کرده‌اند، باید به جای نخست خود بازگردد.

انعقاد قرارداد مشابه را از خواهان گرفته است. در لسان اقتصادی به این نوع زیان‌ها، «هزینه فرصت معامله»^۱ اطلاق می‌شود. برای مثال پزشک متخصصی که قرار ملاقات برای معاینه بیمار الف در ساعت معینی را می‌پذیرد، به ناچار از معاینه بیمار ب در همان ساعت محروم می‌شود. این فرصت‌های از دست‌رفته در حقیقت منافی هستند که به دلیل اعتماد خواهان بر قرارداد خود با خوانده، حاصل نشده‌اند. با توجه به هدف منفعت اعتماد، اگر خواهان در وضعیت پیش از انعقاد قرارداد قرار می‌گرفت، فرصت انعقاد قرارداد مشابه دیگر را می‌داشت و در نتیجه متحمل چنین زیانی نمی‌شد. (Saidov, 2008: 31)

جایگاه منفعت اعتماد در میان سایر منافع قراردادی

شیوه جبرانی پرداخت خسارت پولی، دارای ماهیت جبرانی است. به عبارت دیگر، هدف از محکومیت خوانده به پرداخت خسارت مجازات وی به خاطر نقض قرارداد نیست؛ چراکه نقض قرارداد نه یک جرم کیفری، بلکه یک خطای مدنی است. ماهیت جبرانی پرداخت خسارت این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که زیان‌دیده از نقض در قبال چه چیزی باید مورد جبران قرار گیرد؟

به لحاظ نظری زیان‌دیده می‌تواند بر سه مبنای مختلف اقدام به مطالبه خسارت کند. در وهله نخست وی می‌تواند از دادگاه حمایت از منفعت انتظار خود را بخواهد. مبنای توجیهی چنین مطالبه‌ای این است که تعهد خوانده مبنی بر انجام مورد تعهد، این انتظار را در خواهان برانگیخته که وی تعهدات قراردادی خود را به درستی انجام خواهد داد. حال که متعهد قرارداد را نقض کرده است، باید با پرداخت خسارت، انتظار بر باد رفته خواهان را جبران کرده و وی را در وضعیتی قرار دهد که در صورت اجرای صحیح قرارداد در آن وضعیت قرار می‌گرفت. (Frey, 2000: 371)

ثانیاً زیان‌دیده ممکن است درصدد حمایت از منفعت استرداد خود برآید. زیان‌دیده‌ای که حمایت از منفعت استرداد خود را از دادگاه مطالبه می‌کند، به دنبال جبران خسارت خود به دلیل زیان‌های ناشی از نقض قرارداد نیست، بلکه وی خواستار محرومیت خوانده از منافی است که به هزینه وی تحصیل کرده است. (McKendrick, 2000: 396)

1. Opportunity cost of the transaction

بنابراین، الف مستحق استرداد ۲۰ میلیون ریال و ب مستحق استرداد لپ‌تاپ مذکور است. هرچند در این مثال فرضی معیار انتظار و اعتماد به نتیجه یکسانی منجر شدند، اما در موارد دیگر ممکن است نتیجه هر یک به طور چشمگیری متفاوت باشد. دلیل این یکسانی در مثال فوق این است که قیمت بازاری و قیمت قراردادی لپ‌تاپ کاملاً یکسان بود. در صورت تفاوت مقادیر مذکور، طبعاً نتیجه دو معیار نیز متفاوت خواهد بود. در همان مثال فرض کنیم که الف تعهد به پرداخت ۲۰ میلیون ریال کرده است، اما قیمت بازاری لپ‌تاپ ۱۵ میلیون ریال است. در این صورت، معیار انتظار برابر است با ۱۵ میلیون ریال منهای ۱۰ میلیون ریال که برابر با ۵ میلیون ریال خواهد بود، اما معیار اعتماد برابر است با ۲۰ میلیون ریال منهای ۱۰ میلیون ریال که برابر ۱۰ میلیون ریال خواهد بود. در اینجا با توجه به اینکه خریدار معامله ضرری منعقد کرده (یعنی گران خریده)، برای خلاصی از تبعات منفی آن بهتر است براساس معیار اعتماد اقدام به مطالبه خسارت کند. از سوی دیگر، اگر الف معامله سودآوری کرده باشد (یعنی ارزان خریده، مانند آنکه قیمت بازاری لپ‌تاپ ۲۵ میلیون ریال باشد)، در این صورت معیار انتظار عبارت است از ۲۵ میلیون ریال منهای ۱۰ میلیون ریال که برابر است با ۱۵ میلیون ریال، در حالی که معیار اعتماد برابر است با ۲۰ میلیون ریال منهای ۱۰ میلیون ریال که برابر با ۱۰ میلیون ریال خواهد بود. پس به طور کلی اگر خواهان معامله ضرری منعقد کرده باشد، تمسک به معیار اعتماد به نفع وی است، اما در سایر موارد مطالبه خسارت بر اساس معیار انتظار برای وی مناسب‌تر است. (McKendrick, 2000: 397)

موضوع دیگری که درخصوص منافع سه‌گانه قراردادی حائز اهمیت است، اینکه ادعای مطالبه خسارتی که بر مبنای هر یک از این منافع مطرح می‌شود از لحاظ احتمال موفقیت در یک سطح قرار نمی‌گیرند. منفعت استرداد که دربردارنده ترکیبی از محروم کردن ناعادلانه و داراشدن ناعادلانه است، بیانگر قوی‌ترین مورد برای جبران خسارت است. اگر مطابق نظریه عدالت توزیعی ارسطو، هدف از عدالت را موازنه اموال میان اعضای جامعه بدانیم، منفعت استرداد بیانگر درخواست به توان دو، برای مداخله قضایی نسبت به منفعت اعتماد است؛ بدین دلیل که اگر الف نه تنها موجب شود که ب یک واحد را از دست بدهد، بلکه به علاوه آن واحد را برای خود تصاحب کند، در این صورت ناهماهنگی بین الف و ب نه یک واحد بلکه دو واحد خواهد بود. (ارسطو، ۱۳۹۰: ۱۷۶-۱۷۷) از سوی دیگر،

رابطه منفعت اعتماد با منفعت استرداد و انتظار

موضوع ارتباط میان منافع سه‌گانه قراردادی موضوعی پیچیده است. با این وجود، به نظر می‌رسد که می‌توان برخی قواعد حاکم بر رابطه این سه منفعت را استخراج کرد. با توجه به اینکه موضوع بحث ما متمرکز بر منفعت اعتماد است، در ابتدا اجمالاً ملاحظات کلی در رابطه میان منافع سه‌گانه و سپس رابطه خاص منفعت اعتماد با منفعت استرداد و منفعت انتظار مورد بررسی قرار می‌گیرد. قواعد کلی حاکم بر رابطه منافع سه‌گانه قراردادی را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

اولاً در انتخاب میان منافع سه‌گانه اصل بر این است که هرگاه بیش از یک مورد از منافع سه‌گانه قابل مطالبه باشند، این خواهان است که تصمیم می‌گیرد کدامیک از این منافع را مطالبه کند و خواننده نمی‌تواند وی را مجبور به برگزیدن یکی به جای دیگری کند. (McKendrick, 2000: 411) برای مثال در یک قرارداد بیع، فروشنده ثمن را دریافت کرده، اما از تحویل مبیع امتناع می‌کند؛ در این وضعیت خریدار می‌تواند استرداد ثمن پرداختی را مطالبه کند (منفعت استرداد) یا اینکه بهای کالا در زمان تعیین شده برای تحویل (منفعت انتظار) را بخواهد.

ثانیاً نقض قرارداد به خودی خود بدین معنا نیست که

نشود. (Stone, 2002: 436) با این وجود، با توجه به اهدافی که از اعطای خسارات قراردادی بیان کردیم، باید گفت از لحاظ نظری ممکن است در مواردی جمع بین انواع خسارات غیرممکن به نظر برسد؛ توضیح اینکه، حکم به پرداخت خسارتی که درصدد قراردادن خواهان در وضعیتی است که در صورت اجرای قرارداد در آن وضعیت قرار می‌گرفت (خسارت انتظار) نمی‌تواند با خسارتی که هدف از آن قراردادن خواهان در وضعیتی پیش از انعقاد قرارداد است (خسارت اعتماد) جمع شود. (Treitel, 2003: 942) با وجود این در عمل دادگاه‌ها چنین استدلالی را مورد توجه قرار نداده و در برخی پرونده‌ها جمع بین سه نوع خسارت را مجاز دانسته‌اند. برای مثال در پرونده *Millar's Machinery Co Ltd v David Way & Son* خواهان دستگاهی را خریداری کرده و ثمن آن را پرداخته و آن را نصب کرده، اما به دلیل اینکه دستگاه با خصوصیات مندرج در قرارداد مطابق نبود، آن را رد کرد. دادگاه وی را مستحق استرداد ثمن (منفعت استرداد)، هزینه‌های نصب (منفعت اعتماد) و منفعتی که به دلیل عدم استفاده از دستگاه از دست داده بود (منفعت انتظار) دانست.^۴

۱. رابطه منفعت اعتماد با منفعت استرداد

درخصوص استرداد، ابتدا لازم است بین «دعوی استرداد» و «منفعت استرداد» تمایز قائل شویم. برخی از نویسندگان معتقدند دعوی مبتنی بر استرداد را باید از دعوی قراردادی معمولی تفکیک کرد. (Hudec, 1982: 708) دعوی استرداد در جایی قابلیت طرح دارد که قرارداد باطل باشد یا به وسیله فسخ از بین برود و یا اصلاً قرارداد تشکیل نشده باشد. (Stone, 2002: 437) متفاوت تلقی کردن استرداد از دعوی «مبتنی بر قرارداد»، برخی تبعات منفی را برای خواهان به دنبال دارد. نخست اینکه خواهان باید در آغاز انتخاب کند که دعوی خود را در چه قالبی مطرح کند؛ چراکه دعوی استرداد و دعوی اعتماد مبتنی بر قرارداد را نمی‌توان توأمان اقامه کرد (Frey, 2000: 393)، دوم اینکه خواهان باید پیش از اقامه دعوی استرداد، به عنوان یک شرط مقدم، منافع دریافتی را به خوانده مسترد کرده و قصد خود برای صرف نظر کردن از قرارداد را به اطلاع خواننده برساند. (Fuller and Perdue, 1936: 72) بنابراین دعوی استرداد در بحث

مطالبه خسارات سه‌گانه همواره و به طور کامل در دسترس زبان‌دیده است. به طور معمول خسارت انتظار همواره قابل مطالبه است، اما مشروط به اینکه خواهان بهای انتظار خود را در دادگاه ثابت کند. اگر وی نتواند با یک قطعیت متعارفی بهای منفعت انتظار خود را ثابت کند، ممکن است ناچار شود بر مبنای منفعت اعتماد یا منفعت استرداد خسارات خود را مطالبه کند. (Treitel, 2003: 941) برای مثال در پرونده *McRae v Commonwealth Disposals Commission* دادگاه به دلیل نامعقول بودن منفعت انتظار، حکم به پرداخت خسارت استرداد و اعتماد به خواهان داد.^۱ از سوی دیگر، حق انتخاب خواهان برای مطالبه خسارت استرداد به طور معمول بسیار محدود و مشروط به قاعده فقہ کامل عوض^۲ است. به عبارت دیگر، خواهان در صورتی می‌تواند آنچه را که پرداخته، بر مبنای منفعت استرداد، مسترد کند که طرف ناقض عوضی را در مقابل آن پرداخت نکرده باشد (Manahhan, 2000: 117)، اما انتخاب مبنای دعوی مطالبه خسارت بر اساس منفعت اعتماد در وضعیت بینابینی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، منفعت اعتماد نه مانند منفعت انتظار همواره قابل مطالبه است و نه مثل منفعت استرداد بسیار محدود است. به طور معمول دعوی مطالبه خسارت اعتماد در مواردی قابل پذیرش است که خواهان به دلیل اعتماد بر قرارداد متحمل زیان‌هایی شده باشد. در این موارد خواهان حق انتخاب دارد که دعوی خود را بر مبنای منفعت انتظار یا منفعت اعتماد مطرح کند. مثال بارز ترجیح اقامه دعوا بر مبنای اعتماد بر انتظار، جایی است که خواهان در اثبات بهای منفعت انتظار خود با دشواری مواجه است. (Ibid)

ثالثاً هرچند اصل بر این است که خواهان از میان منافع سه‌گانه یکی را به‌عنوان مبنای دعوی مطالبه خسارت خود برگزیند، اما در برخی اوضاع و احوال خاص امکان مطالبه بیش از یک منفعت امکان‌پذیر است. (Zamir, 2005:16) مهم‌ترین محدودیتی که برای امکان جمع بین خسارات سه‌گانه وجود دارد، اصل عدم جبران مضاعف^۳ است. اصل عدم جبران مضاعف بدین معناست که یک زیان نباید بیش از یک بار جبران شود. (Treitel, 2003: 943) بنابراین جمع بین انواع خسارات تا جایی مجاز است که منجر به جبران مضاعف

1. http://www.unistudyguides.com/wiki/McRae_v_Commonwealth_Disposals_Commission

2. Total failure of consideration

3. Double recovery

4. <http://swarb.co.uk/millars-machinery-co-ltd-v-david-way-and-son-ca-1935>.

خواهان ترجیح می‌دهد که منفعت انتظار را مبنای اقامه دعوی مطالبه خسارت خود قرار دهد. از طرفی به دلیل اینکه معمولاً میزان خسارت قابل دریافت توسط زیان‌دیده بر اساس منفعت اعتماد و منفعت استرداد کمتر از منفعت انتظار است،^۱ تمسک به دو منفعت دیگر صرفاً در مواردی عاقلانه به نظر می‌رسد که منفعت انتظار به دلیلی قابل مطالبه نباشد. (Slawson, 1990: 198)

یکی از موارد و بلکه مهم‌ترین موردی که منفعت اعتماد جایگزین منفعت انتظار می‌شود، جایی است که خواهان قادر نیست میزان معقول و نسبتاً دقیق خسارت انتظار خود را برای دادگاه ثابت کند (McKendrick, 2000: 412) یا اینکه در یابد تعیین میزان خسارت انتظار بیش از اندازه حدسی و غیرواقعی است. (Hutchison, 2004: 58) برای مثال در پرونده Anglia Television خواهان به جای مطالبه خسارت انتظار، خسارت اعتماد خود را از دادگاه مطالبه کرد؛ زیرا با توجه به احتمالی و غیرقطعی بودن عوامل کسب سود در صنعت نمایش، پیش‌بینی سود حاصل از ایفای نقش خواننده در سریال مورد نظر، متعسر و بلکه متعذر بود. (Stone, 2000: 435)

علاوه بر اینکه خواهان می‌تواند منفعت اعتماد را جایگزین منفعت انتظار کند، در برخی موارد خود دادگاه نیز ممکن است تشخیص دهد که بهای انتظار مورد مطالبه واقع‌بینانه نیست و به جای آن حکم به پرداخت خسارت اعتماد دهد.^۲ همچنین ممکن است دادگاه به دلیل سهولت ارزیابی بهای اعتماد نسبت به بهای انتظار، حکم به پرداخت خسارت اعتماد کند. (Fuller and Perdue, 1936: 66)

در حقوق آلمان نیز می‌توان اشاراتی به این قابلیت جایگزینی را مشاهده کرد. هرچند در سیستم حقوقی آلمان که یکی از کشورهای اصلی تابع نظام حقوق نوشته است، نخستین شیوه

خسارات ناشی از نقض قرارداد مطرح نمی‌شود، بلکه آنچه با بحث حاضر مرتبط است منفعت استرداد است.

همان‌طور که در تعریف منفعت استرداد گفته شد، خواهان در راستای اجرای قرارداد اموال یا منافعی را به خواننده منتقل کرده و پس از نقض قرارداد توسط خواننده، درصدد مسترد کردن آنهاست. بنابراین منفعت استرداد دارای دو عنصر است: (۱) اعتماد متعهدله و (۲) نفع حاصل شده برای متعهد. هرچند در برخی موارد ممکن است متعهد مقصر، پس از نقض، منفعتی را به دست آورده باشد که از متعهدله گرفته نشده (مانند آن که شخص ثالثی عوض را پرداخته باشد)؛ با این وجود می‌توان گفت که در منفعت استرداد، سود عاید شده برای متعهد به طور معمول همراه با زبانی متناظر برای متعهدله است. (Fuller and Perdue, 1936: 55) بنابراین، اگر سود مورد نظر در منفعت استرداد، متناظر با زیان خواهان به دلیل اعتماد باشد، در این صورت منفعت استرداد صرفاً یکی از مصادیق منفعت اعتماد خواهد بود و در نتیجه، مواردی که در تحت منفعت استرداد قرار می‌گیرند، مشمول منفعت اعتماد نیز خواهند بود. (Hutchison, 2004: 57) بنابراین می‌توان گفت رابطه بین منفعت اعتماد و منفعت استرداد عام و خاص مطلق است؛ چراکه منفعت اعتماد علاوه بر در برگرفتن منفعت استرداد، مواردی را نیز شامل می‌شود که در آنها زیان‌دیده، کالا یا منفعتی را به طرف ناقض منتقل نکرده، اما با اعتماد بر قرارداد متحمل هزینه‌هایی شده است. (Fuller and Perdue, 1936: 55)

۲. رابطه منفعت اعتماد با منفعت انتظار

برخلاف رابطه بین منفعت اعتماد و منفعت استرداد، رابطه بین منفعت اعتماد و منفعت انتظار چندان روشن و منقح نیست. در شرایطی که مطالبه خسارت بر مبنای منفعت انتظار امکان‌پذیر نباشد، منفعت اعتماد را می‌توان به عنوان جایگزینی برای منفعت انتظار دانست. مسئله مهم دیگر این است که در صورتی که خسارت اعتماد قابل مطالبه باشد، آیا میزان آن می‌تواند از میزان خسارت انتظار بیشتر باشد؟

۱-۲. منفعت اعتماد جایگزین منفعت انتظار

منفعت انتظار در اغلب موارد اصلی‌ترین معیار ارزیابی خسارات قراردادی است (Taylor, 1982: 140) و گفته شد که برخلاف منفعت اعتماد و منفعت استرداد، منفعت انتظار به طور معمول همواره در دسترس زیان‌دیده از نقض قرار دارد. بنابراین

۱. البته در برخی موارد ممکن است میزان خسارت اعتماد از خسارت انتظار بیشتر باشد. برای مثال وقتی که خریدار مبیع را به قیمتی بیش از قیمت بازاری آن خریداری کرده است، اما هزینه‌هایی که در راستای اجرای قرارداد صرف کرده بیش از قیمت قراردادی باشد.

۲. برای مثال در پرونده *McRae v Commonwealth Disposals Commission* خواننده یک کشتی به گل نشسته پر از نفت را که در واقع وجود خارجی نداشت، به خواهان فروخته و خواهان برای نجات کشتی اقدام به فرستادن یک گروه نجات به محل کرده بود. خواهان از باب خسارت انتظار مبلغ ۳۰۰ هزار پوند مطالبه کرده بود، اما دادگاه در نهایت خواننده را محکوم به پرداخت مبلغ ۳۲۸۵ پوند از باب خسارت اعتماد کرد.

(۱۰۰ میلیون تومان)، منفعت اعتماد (۱۱۰ میلیون تومان) را مطالبه کند؟ در حقوق آلمان به چنین پرسشی صراحتاً پاسخ منفی داده شده است. براساس مواد ۱۲۲، ۱۷۹ و ۳۰۷ از قانون مدنی آلمان، میزان خسارت قابل مطالبه در قبال هزینه‌های صرف شده به دلیل اعتماد بر قرارداد (منفعت منفی) نمی‌تواند از میزان آنچه در صورت اجرای قرارداد برای خواهان حاصل می‌شد (منفعت مثبت)، تجاوز کند. (Fuller and Perdue, 1936: 75) در حقوق ایالات متحده نیز این قاعده پذیرفته شده است که پرداخت خسارت به خواهان نباید او را در وضعیتی بهتر از آنکه در صورت اجرای قرارداد در آن وضعیت قرار می‌گرفت، قرار دهد. (Ogus, 1972: 423) در پرونده Bowly v. Domtar دادگاه معتقد بود در جایی که بهای منفعت اعتماد از بهای منفعت انتظار بیشتر است، خواهان نمی‌تواند به جای خسارت انتظار اقدام به مطالبه خسارت اعتماد کند؛ چراکه خواهان نباید به خاطر معامله ضرری‌اش مورد حمایت قرار بگیرد و در وضعیتی بهتر از وضعیت پس از اجرای قرارداد، قرارگیرد. بنابراین در نظام کامن‌لا نیز پاسخ به سؤال فوق منفی است و میزان خسارت اعتماد نمی‌تواند از میزان خسارت انتظار تجاوز کند. (Jaffey, 1997: 4) به عبارت دیگر، خسارت انتظار به عنوان حد یقینی برای تعیین میزان خسارت اعتماد عمل می‌کند. (Andersen, 2004: 13) دلیل این امر آن است که تجاوز منفعت اعتماد از منفعت انتظار در اغلب موارد بدین معناست که معامله خواهان با خواننده ضرری بوده است، چنانکه در مثال فوق هزینه‌هایی که خواهان در راستای اجرای بخش قراردادی خود کرده (۱۱۰ میلیون) از ثمنی که قرار بود از خواننده دریافت کند (۱۰۰ میلیون) بیشتر است و خواهان با مطالبه منفعت اعتماد (۱۱۰ میلیون) به جای منفعت انتظار (۱۰۰ میلیون)، در واقع می‌خواهد ضرر معاملی خود (۱۰ میلیون) را بر خواننده تحمیل کند. از سوی دیگر، هرچند خواننده مرتکب نقض شده‌است، اما مستحق چیزی بیش از دین قراردادی خود (۱۰۰ میلیون) نیست. این موضوع علاوه بر اینکه در پرونده‌های بسیاری پذیرفته شده،^۳ در ویراست دوم مجموعه Restatement نیز مورد اشاره قرار گرفته است (۳۴۹ §

۳. برای نمونه می‌توان به این پرونده‌ها اشاره کرد:

Bausch & Lomb, Inc. v. Bressler (1992); Dade County v. Palmer & Baker Eng'rs, Inc. (1964); L. Albert & Son v. Armstrong Rubber Co. (1949); Michael Del Balso, Inc. v. Carozza (1943); Gruber v. S-M News Co. (1954); Mistletoe Express Serv. v. Locke (1988); Wartzman v. Hightower Prods., Ltd. (1983).

جبرانی عبارت از الزام به اجرای عینی قرارداد است، اما مطالبه خسارت به‌عنوان شیوه جایگزین مورد شناسایی قرار گرفته است.^۱ در حقوق آلمان خسارت قابل مطالبه به‌عنوان جایگزین اجرای عینی، عبارت است از خسارت انتظار که در این سیستم حقوقی تحت عنوان «خسارت مثبت»^۲ مورد شناسایی قرار گرفته است. (Markesinis, Unberath and Johnston, 2006: 451) با این وجود، در ماده ۲۸۴ قانون مدنی آلمان به خواهان اجازه داده شده که به جای خسارت انتظار، هزینه‌هایی را که وی با اعتماد بر اجرای تعهدات خواننده متحمل شده و اکنون به دلیل نقض قرارداد بی‌نتیجه مانده‌اند، مطالبه کند. نویسندگان حقوق آلمان این ماده را به‌عنوان نمونه‌ای از حمایت قانونگذار آلمانی از منفعت اعتماد تفسیر کرده‌اند. (Ibid: 464)

۲-۲. تجاوز خسارت اعتماد از خسارت انتظار

با اینکه به طور معمول میزان خسارت انتظار از میزان خسارت اعتماد بیشتر است، ممکن است پرداخت خسارت به خواهان بر اساس منفعت اعتماد سود بیشتری برای خواهان نسبت به منفعت انتظار داشته باشد. (Fuller and Perdue, 1936: 75) بارزترین مصداق چنین وضعیتی جایی است که خواهان معامله ضرری با خواننده انجام داده است (Andersen, 1994: 13)، مانند اینکه خریدار مبیع را به مبلغی بیش از قیمت بازاری خریدده یا فروشنده کالای خود را زیر قیمت بازار فروخته باشد. در چنین وضعیتی ممکن است هزینه‌های اعتماد اصلی و فرعی خواهان بیش از میزان خسارت انتظار وی باشد و خواهان برای فرار از تبعات منفی معامله ضرری خود، اقدام به مطالبه خسارت اعتماد به جای خسارت انتظار کند.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا در چنین مواردی دادگاه می‌تواند به منفعت اعتمادی بیش از منفعت انتظار رأی دهد؟ فرض کنید تولیدکننده متعهد شده که در قبال مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان یک دستگاه صنعتی را ساخته و تحویل خریدار دهد. پس از انعقاد قرارداد و تکمیل دستگاه، فروشنده درمی‌یابد که هزینه‌های اجرای قرارداد به حدود ۱۱۰ میلیون تومان رسیده‌است؛ درحالی‌که ارزش بازاری دستگاه ۱۰۰ میلیون تومان است. اگر خریدار با نقض قرارداد از تحویل گرفتن دستگاه خودداری کند، آیا فروشنده می‌تواند به جای منفعت انتظار خود

۱. مواد ۲۸۰ به بعد قانون مدنی آلمان تحت شرایطی مطالبه خسارت به جای اجرای عینی قرارداد را به رسمیت شناخته است.

2. Erfüllungsinteresse

۱۹۷۹). بنابراین، همان‌طور که برخی نویسندگان معتقدند، خسارت انتظار می‌تواند بیش از خسارت اعتماد باشد، اما عکس آن جایز نیست. (Andersen, 2004: 13)

شیوه ارزیابی منفعت اعتماد

در ارزیابی میزان خسارت اعتماد برخلاف خسارت انتظار، آنچه خواهان در راستای انتظار خود از قرارداد به طرف مقابل داده و آنچه در این راستا از طرف مقابل دریافت کرده است، مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بلکه مهم‌ترین عوامل عبارت‌اند از آنچه که زیان-دیده با اعتماد بر تعهد قراردادی خوانده به وی پرداخته و آنچه از وی دریافت کرده است. (Frey, 2000: 383) بنابراین فرمول ارزیابی خسارت اعتماد را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

آنچه طرف زیان‌دیده با اعتماد بر تعهد خوانده پرداخته است

منهای

آنچه طرف زیان‌دیده بر مبنای اعتماد بر تعهد خوانده دریافت کرده است.

برای مثال اگر الف ساعتی را به ارزش ۲۰۰ هزار تومان به ب فروخته باشد، اما درقبال آن هیچ مبلغی از ب دریافت نکرده باشد، در این صورت آنچه الف به ب داده است (۲۰۰ هزار تومان) منهای آنچه از ب دریافت کرده است (۰ تومان) مساوی است با ۲۰۰ هزار تومان که میزان خسارت قابل مطالبه بر مبنای اعتماد است.

نکته مهمی که درخصوص ارزیابی خسارت اعتماد باید مورد توجه قرارگیرد این است که شروط عمومی جبران خسارت از قبیل شرط قابلیت پیش‌بینی خسارات و همچنین رابطه سببیت بین نقض قرارداد و خسارت وارده، باید در ارزیابی این نوع خسارت نیز همانند خسارت انتظار، اعمال شود. (Fuller and Perdue, 1936: 71)

حقوق ایران و فقه امامیه

هرچند حقوق ایران و فقه امامیه با اصطلاح «منفعت اعتماد» و خسارت حاصل از دست دادن آن؛ یعنی «خسارت اعتماد» آشنا نیست، اما این به معنای عدم وجود مفهوم این نوع خسارت در فقه و حقوق ایران نیست؛ زیرا از یک سو برخی مصادیق آن را می‌توان در مواد قانونی و فروع فقهی یافت و از سوی دیگر، می‌توان تأثیر اعتماد در تحقق برخی از عناوین و نهادهای فقهی و حقوقی را ملاحظه کرد. یکی از حقوقدانان کشورمان توضیح مختصری در مورد منفعت اعتماد ارائه کرده و برای آن به زیان‌هایی که یک مهندس در اثر نقض قرارداد پیمانکاری توسط

کارفرما متحمل شده مثال زده است. زیان‌های مذکور اقلامی مانند فروش خانه و خرید خانه‌ای دیگر در نزدیک محل کار جدید و دست کشیدن از کار سابق را شامل می‌شود. به عقیده وی برخی از این زیان‌ها را نمی‌توان به راحتی در تقسیم تلف مال و فوت منفعت جای داد. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۳۳-۲۳۴)

چنانکه گذشت، مصادیق عمده منفعت اعتماد عبارت‌اند از هزینه‌های هدررفته و از دست دادن فرصت معاملات مشابه. نوع دوم تاحدی که به مفهوم عدم‌المنفع مربوط می‌شود، در فقه (قمی، ۱۴۱۳: ۱۲۲/۳) و حقوق ایران (تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی. همچنین نک: شهیدی، ۱۳۸۳: ۲۵۹) قابل مطالبه نیست، اما قابل جبران بودن نوع اول، هم در قانون و هم در آثار فقهی مورد تصریح قرار گرفته است.

در ادامه، به برخی از مصادیق این نوع خسارت و جایگاه آن در برخی از قواعد و نهادهای فقهی می‌پردازیم، اما باید به یاد داشت که ضمانت اجرای نقض اعتماد در همه موارد، پرداخت خسارت به صورت مستقیم نیست، بلکه در موارد وجود قرارداد، اثر مستقیم نقض اعتماد ممکن است حق فسخ قرارداد و سپس مطالبه خسارت ناشی از آن باشد.

۱. قاعده غرور: یکی از قواعد فقهی که تأثیر مفهوم اعتماد در آن آشکار می‌باشد، قاعده غرور است. برای توضیح این مطلب به ذکر سه مصداق از این قاعده در مباحث فقهی و حقوقی بسنده می‌شود.

الف) در کتاب جامع‌الاشکات، سؤالاتی در این زمینه دیده می‌شود که به یک نمونه اشاره می‌شود: «زید در کاشان روناس می‌خرد از عمرو، به شرط آنکه روناس گلپایگان باشد و می‌برد به اصفهان که بفروشد. کاشف به عمل می‌آید که روناس جای دیگر بوده و مبلغی کرایه چاروادار و عشر و اخراجات راه کشیده و مشتری از اهل خبره نبوده و بایع تقلب و تدلیس کرده. روناس را به اصفهان گذاشته و آمده است به کاشان، مطالبه تنخواه خود را می‌کند. بایع می‌گوید روناس مرا بیاور و ردکن، تا من تنخواه تو را بدهم، آیا بایع را می‌رسد که الزام کند او را به آوردن روناس (با وجود اینکه اخراجات بسیار دارد) یا نه؟ و بر فرضی که بتواند، آیا اخراجات را بایع بدهد یا مشتری؟ و غرامت‌های بردن را باید بایع بکشد یا نه؟». در پاسخ آمده است: «هرگاه زید امر کند او را که برو و از مال من خرج کن و روناس را بیاور عمرو تواند بگوید من نمی‌روم دیگری را بفرست و به هر حال، غرامات و اخراجات و تحمل آوردن مال، همه متعلق به بایع است و اما اخراجاتی که کشیده است مشتری در بردن مال، پس ظاهر این است که همه را از بایع می‌تواند

است. در همین مسئله، برخی برای ضمان مالک به قاعده غرور تمسک کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۷/۳۲۷؛ و این‌کان صدوره منه اعتمادا علی قول الخياط، لکنه من الدواعی؛ در مورد آرای فقهای معاصر در این مسئله، نک: یزدی، ۱۴۱۹: ۵/۶۸-۷۰). دخالت عنصر اعتماد و اطمینان در تحقق غرور در این مسئله مورد توجه یکی از فقها قرار گرفته است.^۱

(د) ماده «۱۰۳۶» سابق قانون ق. م. شاهد بارزی بر دخالت عنصر اعتماد در غرور است: «اگر یکی از نامزدها وصلت منظور را بدون علت موجهی به هم بزند، در حالی که طرف مقابل یا ابوبن او یا اشخاص دیگر به اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و مخارجی کرده باشند، طرفی که وصلت را به هم زده است باید از عهده خسارات وارده برآید، ولی خسارات مزبور فقط مربوط به مخارج متعارفه خواهد بود». (امامی، ۱۳۸۹: ۴/۲۷۲) بنابراین با توجه به فروعات فوق در مورد هزینه‌هایی که یک طرف با اعتماد بر قرارداد متحمل شده و در نتیجه نقض قرارداد توسط طرف دیگر، هزینه‌های مذکور بی‌ثمر مانده، می‌توان با استناد به قاعده غرور طرف ناقض را ضامن شمرد.

۲. بیع فضولی: طبق ماده ۲۶۳ قانون مدنی هرگاه مالک، معامله را اجازه نکند و مشتری هم بر فضولی بودن آن جاهل باشد، حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند. برای توجیه مبنای رجوع مشتری به فضول به قاعده غرور و نیز نفی ضرر استناد شده است. (انصاری، ۱۴۱۵: ۴۹۴) شبیه این مسئله در فقه، جایی است که مٌعیر مال غیر را به عنوان مال خود عاریه دهد و مالک مال، بدل منافع استفاده شده را از مٌستعیر بگیرد. در این صورت مٌستعیر می‌تواند از باب غرور، در مورد آنچه به مالک پرداخته به مٌعیر رجوع کند (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۸۳)

۳. تسلیم مبیع کمتر از مقدار: در صورتی که مبیع در وقت تسلیم کمتر از مقدار تعیین شده درآید، خریدار طبق مواد ۳۸۴ و ۳۸۵ قانون مدنی حق فسخ معامله را دارد. اگر خریدار حق فسخ خود را اعمال کند، فروشنده «باید علاوه بر ثمن، مخارج معامله و مصارف متعارف را که مشتری نموده است، بدهد». برخی نویسندگان حکم مذکور در این ماده را بر مبنای تسبیب توجیه کرده‌اند: «بایع که مالک مبیع می‌باشد، باید از وضعیت مال خود

گرفت. چون او را مغرور کرده است و فریب او باعث این خسارت‌ها شده». (قمی، ۱۴۱۳: ۲/۱۷۱-۱۷۳)

(ب) در بحث فروش کالاهایی مانند تخم‌مرغ که با امتحان کردن فاسد می‌شوند، نیز مسئله‌ای در فقه مطرح شده که با بحث ما مرتبط است. در صورتی که مبیع معیوب درآید و پس از امتحان کردن ارزشی نداشته باشد، سؤال این است که بیع از ابتدا باطل است یا از هنگام امتحان کردن باطل می‌شود. یکی از ثمراتی که بر این مسئله مترتب شده مربوط به هزینه جابه‌جایی مبیع از محل بیع به محل امتحان است. بنابر نظر بطلان ابتدایی، هزینه جابه‌جایی به‌عهده فروشنده است، چون جابه‌جایی در مورد کالایی که در ملک وی بوده صورت گرفته است، اما بنابر نظر بطلان حادث، هزینه به عهده خریدار است. بر مبنای این نظر سؤال مطرح می‌شود که آیا خریدار می‌تواند برای این هزینه به فروشنده رجوع کند؟ به نظر برخی فقها (عاملی‌کرکی، ۱۴۱۴: ۹۶ و شهیدثانی، ۱۴۱۰: ۲۷۸-۲۷۹) خریدار حق رجوع ندارد؛ زیرا جابه‌جایی به دستور فروشنده نبوده تا از باب استیفاء ضامن باشد. همچنین، شرایط قاعده غرور نیز منتفی است؛ چراکه فروشنده نیز مانند خریدار جاهل بوده است، اما به نظر برخی دیگر خریدار می‌تواند به فروشنده رجوع کند؛ زیرا خریدار به تصور وجود بیع، کالا را جابه‌جا کرده و برای ضامن شمردن بایع وجود بیع کافی است و علم غار شرط تحقق غرور نیست. (حسینی‌عاملی، ۱۴۱۹: ۵۵) در واقع طبق نظر اخیر، صرف وجود قرارداد بیع و اعتماد خریدار به آن برای ضامن شمردن فروشنده کافی است و برای استناد به قاعده غرور عالم بودن غار لازم نیست. در واقع همان‌طور که برخی از فقها متذکر شده‌اند (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۷۸)، تعزیر و مغرور کردن به‌معنای ترغیب و وادار کردن شخص به انجام کاری است که موجب زیان شود. «مغرور کردن» از عناوین قصدی نیست تا صدق آن مترتب بر قصد فریفتن باشد. بنابراین، در مواردی که غار و مغرور هر دو جاهل باشند نیز غرور می‌تواند صدق کند.

(ج) در صورتی که مالک پارچه به خیاط بگوید: اگر این پارچه برای پیراهن کفایت می‌کند آن را ببر و خیاط آن را ببرد و بعد معلوم شود که کافی نیست، خیاط ضامن است، اما اگر از خیاط سؤال کند که این پارچه برای پیراهن کفایت می‌کند یا نه و خیاط جواب مثبت دهد و سپس معلوم شود کافی نیست، خیاط ضامن نیست. دلیل تفاوت این دو صورت این است که در صورت اول، مالک اذن به بریدن نداده، اما در صورت دوم اذن داده است. به نظر صاحب جواهر، در حالت دوم، هر چند مالک به گفته خیاط اعتماد کرده، اما اعتماد در اینجا داعی و انگیزه

۱ یزدی، ج ۵، ص ۶۹-۷۰، پاورقی ۴، حاشیه اصفهانی: فیضمن فی الأول لتقید الإذن بالكفاية و فی الثاني فيما إذا حصل من قوله الاطمئنان و معه يتحقق الغرور الموجب للضمان.

آگاه باشد و چون آن را نمی‌دانسته و یا می‌دانسته و برخلاف حقیقت اظهار داشته، سبب تضرر مشتری شده است و مسبب، مسئول کلیه خساراتی است که از عمل او متوجه می‌گردد.» (امامی، ۱۳۸۹: ۴۳۹)

علاوه بر موارد فوق، در بسیاری از موارد دیگر نیز فقها و حقوقدانان به عنصر اعتماد و نقش آن در تحقق تسبیب یا برخی از خيارات توجه کرده‌اند. برای نمونه ذیلاً کلام یکی از حقوقدانان در موارد مختلف نقل می‌شود.

۱. قاعده تسبیب: ایشان در مورد تأثیر مفهوم اعتماد در قاعده تسبیب به دو مصداق قانونی آن اشاره می‌کند:

الف) «در صورتی که در اثر پنهان نمودن سمت نمایندگی خسارتی از معامله متوجه طرف شود، طبق ماده «۳۳۱» قانون مدنی وکیل مسئول آن خسارت خواهد بود. مثلاً هرگاه وکیل معامله را به نسیه واقع سازد و مال مورد معامله را از بایع تحویل بگیرد و به موکل خود تسلیم کند و در موعدی که ثمن باید پرداخت گردد، معلوم شود موکل معسر و طلب غیرقابل وصول است، متعامل که به اتکاء و اعتماد خریدار معامله نسیه نموده می‌تواند به عنوان خسارت، ثمن و همچنین خسارات دیگر خود را از او بخواهد؛ زیرا طرف معامله در اثر پنهان داشتن سمت خود سبب توجه خسارت به فروشنده شده است.» (همان: ۲۶۵/۱)

ب) «به نظر می‌رسد در صورتی که طفل از طرف پدر متولد از زنا و از طرف مادر متولد از شبهه باشد، پدر از باب تسبیب ملزم به پرداخت هزینه وضع حمل و ایام نقاهت زن در اثر آن و همچنین نفقه طفل خواهد بود. مثلاً هرگاه مردی از زنی که شوهرش مرده خواستگاری بنماید و زن اظهار دارد که در عده است، مرد که از حکم عده آگاه بوده می‌گوید، عده قانونی سه ماه است و تمام شده و از عده خارج شده‌ای، زن به گفته او اعتماد می‌کند و با او ازدواج کرده نزدیکی می‌نماید و همچنین فرزندی از آنها متولد می‌شود، هزینه وضع حمل و همچنین نفقه طفل به عهده پدر است.» (همان: ۱۸۳/۵)

۲. خیار تخلف وصف: «هرگاه بایع مبیع را ندیده و به اعتماد اوصافی که مشتری یا شخص ثالث می‌گوید آن را بفروشد و بعد از معامله آگاه شود که مبیع دارای اوصافی که بیان شده نبوده است، بایع می‌تواند طبق ماده «۴۱۱» قانون مدنی بیع را فسخ و مبیع را مسترد دارد. چنانکه بایع دارای مزرعه در شهر دیگری است و مشتری آن را دیده است، نزد بایع می‌رود و با بیان اوصاف راجع به قنات و مقدار بذرافشان، آن مزرعه را می‌خرد، بعد از فروش بایع اطلاع پیدا می‌نماید که اوصاف مزرعه غیر از آن است که مشتری بیان کرده، بایع

می‌تواند مزرعه را به استناد خیار تخلف وصف مسترد دارد.» (همان: ۴۹۲/۱)

۳. خیار تدلیس: «در صورتی که نکاح از طرف شوهر به دستور ماده «۱۱۲۸» ق.م. در اثر تخلف وصف و یا آنکه در اثر خیار تدلیس فسخ شود و شوهر به سبب آن متضرر گردد، کسی که موجب اغراء به جهل شوهر بوده، مسئول خسارت او است. مانند آنکه پدر دختر یا شخص دیگری وجود اوصافی را در دختر برای شوهر بگوید و شوهر به اعتماد وجود آن اوصاف، با دختر ازدواج نماید. مثلاً پدر دختر یا شخص دیگری که واسطه در نامزدی است، به شوهر بگوید که زن دارای معلومات عالیه یا صدای دلنوازی است یا دارایی زیادی دارد و مرد به اعتبار آن اوصاف اقدام به نکاح او کند و پس از نزدیکی معلوم شود که زوجه فاقد اوصاف مزبور است و شوهر به استناد خیار تدلیس نکاح را فسخ نماید.» (امامی، ۱۳۸۹: ۴۱۵/۴؛ برای دیدن مورد دیگری از دخالت اعتماد در خیار تدلیس، نک: همان: ۴۶۹/۴)

همچنین، در استفتائی از مرحوم آیت‌الله گلپایگانی آمده است: «چهار نفر مشترکاً مشغول استخراج سنگ ساختمان در معدن بودند. یک نفر از آنان دیده‌بانی می‌کرد تا به کسی سنگ اصابت نکند و نفر دیگر جهت رفع خستگی دست از کار کشید و نشست و دو نفر از آنان مشغول کار بودند، ناگاه سنگی منحرف شد و به یکی از آنان خورد و او را کشت، آیا همه کارگران معدن ضامن دیه هستند یا خیر؟». در پاسخ ایشان آمده است: «در فرض مسئله اگر دیده‌بان در اعلام خطر کوتاهی نکرده باشد، کسی ضامن نیست و چنانچه شرکاء با اعتماد بر دیده‌بان و تعهدی که در نگهداری داده است، مشغول کار شده‌اند و او در نگهداری خود تقصیر کرده او ضامن است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعی لازم است.» (گلپایگانی، ۱۴۰۹: ۲۸۹/۳)

چنانکه دیدیم مسائل و فروع فقهی و قانونی فوق حاوی اعتماد یکی از متعاقدين بر رفتار یا گفتار طرف دیگر هستند و در همه آنها حکم به ضمان درقبال خسارات ناشی از چنین اعتمادی شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

منفعت اعتماد به‌عنوان یکی از منافع سه‌گانه قراردادی که ابتدا در حقوق ایالات متحده مطرح شد، تأثیر بسزایی در تبیین و بسط حقوق خسارات قراردادی در عمل و نظر چه در نظام حقوقی کامن‌لا و چه در نظام حقوق نوشته برجای گذاشت؛ زیرا هرچند در نظام حقوق نوشته نخستین شیوه جبرانی، الزام متعهد به اجرای عین تعهد است، اما در مواردی که این شیوه قابل

تبریزی. تهران: طرح نو.

امامی، سید حسن (۱۳۸۹). *حقوق مدنی*. جلد ۱. چاپ ۳۰. تهران: انتشارات اسلامی.

_____ (۱۳۸۹). *حقوق مدنی*. جلد ۴. چاپ ۳۰. تهران: انتشارات اسلامی.

انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵ هـ ق). *کتاب المکاسب*. جلد ۳. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

بجنوردی، سیدحسین موسوی (۱۴۱۹ هـ ق). *القواعد الفقهیه*. جلد ۱. قم: نشر الهادی.

حسینی عاملی، سیدجواد (۱۴۱۹ هـ ق). *مفتاح الکرامه*. جلد ۱۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

شهیدی، مهدی (۱۳۸۳). *آثار قراردادهای و تعهدات*. چاپ دوم. تهران: مجد.

عاملی (شهیدثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ هـ ق). *الروضه البهیة*. جلد ۳. قم: کتابفروشی داوری.

عاملی کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ هـ ق). *جامع المقاصد*. جلد ۴. چاپ ۲. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۴۱۳ هـ ق). *جامع الشکات*. جلد ۲ و ۳. تهران: مؤسسه کیهان.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *قواعد عمومی قراردادهای*. جلد ۴. چاپ ۶. تهران: انتشار.

گلپایگانی، سیدمحمدرضا (۱۴۰۹ هـ ق). *مجمع المسائل*. جلد ۳. قم: دار القرآن الکریم.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ هـ ق). *جواهر الکلام*. جلد ۲۷. چاپ ۷. لبنان: بیروت.

نعمت‌اللهی، اسماعیل (۱۳۹۵). «بررسی خسارت انتظار ناشی از نقض قرارداد در کامن‌لا و حقوق ایران». *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، دوره ۳، شماره ۳، صص ۱۲۹-۱۵۶.

یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۱۹ هـ ق). *العروه الوثقی (المحشی)*. جلد ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

اعمال نباشد، نوبت به اعمال شیوه پرداخت خسارت پولی به‌عنوان جایگزین اجرا می‌رسد. بنابراین بحث از منفعت اعتماد در کشورهای تابع نظام حقوق نوشته نیز مفید است.

منفعت اعتماد عبارت از هزینه‌های تغییر وضعیتی است که زیان‌دیده، با اعتماد بر اجرای تعهد از سوی متعهد متحمل شده است. هدف از پرداخت خسارت اعتماد بازگرداندن این وضعیت تغییر یافته به وضعیت پیش از انعقاد قرارداد است. ارقام قابل مطالبه تحت منفعت اعتماد عمدتاً شامل دو مورد است: نخست هزینه‌های اجرا یا آماده شدن برای اجرای قرارداد که دربرگیرنده هزینه‌های پیش و پس از انعقاد قرارداد است و دوم هزینه فرصت‌های قراردادی مشابه که خواهان با اعتماد بر قرارداد خود با خواننده از آنها چشم‌پوشی کرده و با نقض خواننده به‌صورت محرومیت از کسب سود، جلوه می‌کند.

علاوه بر اینکه ممکن است دادگاه در شرایط خاصی به جای خسارت انتظار، حکم به پرداخت خسارت اعتماد کند، خواهان نیز می‌تواند در موارد مقتضی به جای منفعت انتظار، منفعت اعتماد را مطالبه کند، مشروط بر اینکه اولاً شرایط عمومی جبران خسارت وجود داشته باشد و ثانیاً میزان خسارت اعتماد از میزان خسارت انتظار تجاوز نکند.

هرچند فقهای امامیه و حقوقدانان ایرانی به صراحت نامی از «منفعت اعتماد» نبرده‌اند، اما برخی فروع فقهی و مواد قانونی را می‌توان بر اساس منفعت اعتماد تحلیل کرد. بنابراین به نظر می‌رسد در حقوق ایران نیز در مواردی که اجرای عین تعهدات قراردادی میسر نباشد، با حصول شرایط عام پرداخت خسارت، می‌توان حداقل برخی از ارقام خسارت اعتماد مانند هزینه‌هایی که طرف غیرناقص با اعتماد بر قرارداد متحمل شده است را مورد حکم قرار داد.

منابع

ارسطو (۱۳۹۰). *اخلاق نیکوماخس*. ترجمه محمدحسن لطفی

Andersen, Eric. G. (1994). "The Restoration Interest and Damages for Breach of Contract". *Maryland Law Review*. Volume 53. Issue 1. pp 1-106.

Cooter, Robert and Melvin Aron Eisenberg. (1985). "Damages for Breach of Contract". *73 Cal. L. Rev.* pp1432-1481.

Frey, Martin. A. (2000). *An Introduction to the Law of Contracts*. Third Edition. West Legal Studies.

Friedman, J. (1981). *Contract Remedies in a Nutshell*. West Academic Publishing.

Fuller, L. L. and William R. Perdue (1936). "The Reliance Interest in Contract Damages". *46 Yale Law Journal*. pp 52-96.

- Garner, Bryan, A. (2009). *Black's Law Dictionary*. Ninth Edition, West Publishing co.
- Garrah, Christopher. J (September 2007) "Revisiting Damages for Breach of Contract". available at: http://www.mcmillan.ca/Files/136161_Revisiting%20Damages%20for%20Breach%20of%20Contract.pdf. (Last visited September, 12, 2017).
- Goldberg, Victor. P. (1989). *Readings in the economics of contract law*. Cambridge University Press.
- Harker, J. R. (1994). "Damages for breach of contract: Negative or positive interest". 111 *South African Law Journal*. 5. pp17-32.
- Hillman, Robert, A. (1997). *The Richness of Contract Law*. Kluwer Academic Publishers.
- Holmes, O. W. (1897). "The Path of the Law". 10 *Harvard Law Review*. pp 457- 462.
- Hudec, Robert. E. (April 1982). "Restating the Reliance Interest". *Cornell Law Review*. Volume 67. Issue 4. pp 704-734.
- Hutchison, Dale. (2004). "Back to basics: reliance damages for breach of contract revisited". *South African Law Journal*. 121. pp 51-63.
- Jaffey, Peter. (September 1997). "A new version of the reliance theory". paper presented at the SPTL Conference, p4. Available at: <http://bura.brunel.ac.uk/handle/2438/4166>. (Accessed September 15, 2017).
- Manahhan, Suff (2000). *Essential Contract Law*. Cavendish Publishing, Second edition.
- Markesinis, Basil, S.; Hannes Unberath and Angus Johnston (2006). *The German Law of Contract*. Second Edition. Hart Publishing co.
- McKendrick, Ewan (2000). *Contract Law*. Palgrave.
- Ogus, A. J. (1972). "Damages for Pre-Contract Expenditure". *Modern Law Review*. 35. pp423-426.
- Restatement (Second) of Contracts (1979).
- Saidov, D. and Cunnington, R. (2008). *Current Themes in the Law of Contract Damages: Introductory Remarks.*' in D Saidov and R Cunnington (eds), *Contract Damages: Domestic and International Perspectives*. Oxford: Hart Publishing.
- Saidov, Djakhongir (2008). *The Law of Damages in International Sales*. Hart Publishingp.
- Samuel, Geoffrey (2001). *Law of Obligations and Legal Remedies*. Second Edition. Cavendish Publishing Limited.
- Slawson, W. David. (1990). "Role of Reliance in Contract Damages". 76 *Cornell Law Review*. pp 197-237.
- Stone, Richard (2002). *The Modern Law of Contract*. Fifth edition. Cavendish Publishing Limited.
- Taylor, R.D. (March 1982). "Expectation, Reliance and Misrepresentation". *The Modern Law Review*. Volume 45. Issue 2. pp 139-158.
- Treitel, Sir Guenter (2003). *The Law of Contract*. Eleventh edition. Sweet & Maxwell Limited.
- Zamir, Eyal. (November 2005). "Remedies for Breach of Contract: Expectation, Reliance, Restitution", *Disgorgement, and Restoration of the Contractual Equivalence*. pp 1-32.

COPYRIGHTS



©2021- 2022 by the Authors. Lisensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)